

خیلواکی



استقلال

www.esteqalaal.net

استقلال خیلواکی

۲۷ اکتوبر، ۲۰۲۶

عرضی مختصر برای منظوری مهم و ملی معرفی آنانی که گذشته شان در مسایل ملی کشور مورد سوال قرار میگیرد



تصویری خوفناک از ورود قوای عساکر سرخ «*» در شهر کابل در عصر خونین اشغال وطن
شکی نیست که در تاریخ نیم قرن اخیر افغانستان عزیز و خصوصاً بعد از سقوط چهل ساله عصر
صلح و امنیت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، سرزمین ما و مردم مظلوم آن به مصائب و حوادث
ناگواری سردچار گردیدند و جریانات مختلفه ای اعم از کودتای نیمه چپی بیست و شش سرطان،
کودتای خونین هفت ثور و اشغال دردناک وطن، هجوم و قدرتمندی تنظیم های جنایت پیشه جهادی،
طالبان عقب گرا، جمهوریت دیموکراسی پوشالی و اشغال قوای ناتو و بالاخره تفوق دوباره طالبان
که نیمه یی از مردم وطن در عرصه شش سال اخیر از تحصیل و کار باز ماندند.

همه رویداد های متذکره فوق به ترتیب وقوع خود سبب بوجود آمدن جریان تاریک و بربادی های بعدی گردیده است که برای ملت نهایت مظلوم و بیدفاع افغان ارمغلان های دردناکی چون کشتار بیحد و مرز، ظلم و تعدی، آوارگی اجباری، تخریب جا و سرپناه، فقر و مسکنت، تاراج دارایی های عامه و بیت المال، پذیرش قوای مخوف نمبر ۴۰ اتحاد شوروی سفاک و ده ها درد بیدرمان دیگری که ملت و مردم وطن قبل از نیم قرن اخیر دقیقاً نا آشنا بودند.

این که علت و انگیزه گشودن چنین صفحه و ارتباط مطالب آن به سطور بالا چه میتواند باشد، فقط و فقط روشنی انداختن بر فعالیت و معرفی انانی است که همکاری و وابستگی شان به «**حزب منحلّه دیموکراتیک خلق**» و ۱۲ سال فعالیت آغشته به خون و آتش شان در افغانستان غیر منسلک، آزاد و با صلح و امنیت، سبب و سر آغاز همه رویداد هایی است که به ذکرش پرداختیم.



(... سیستانی آینه ای است که هر بار دشمن خواست چهره این سرزمین را مخدوش کند، صادقانه و بی هراس تصویر واقعی را بازتاباند ... ن. جلیلزاد.)

به این تصویر درناک فرار و آوارگی مردم افغانستان بعد از کودتای خونین ثور توجه فرمایید، درست در روزگار خون و آتش زمین و هوا که سیستانی و امثال وی در خدمت اشغالگران سفاک قرار داشتند، چهره تابناک سرزمین ما سخت مخدوش گردید و تصویر واقعی آن باز نتابیده است.

آنانیکه از آغاز کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و رونمایی و فعالیت آشکاری «**حزب سخیف پرچم**» وابسته به سفارت شوروی در کابل تا ایندم، مستقیم یا غیر مستقیم مسبب هر جنایت، خیانت، وطن فروشی، قتل و آدم کشی بیدریغ، تاراج منافع ملی و پامال حقوق مردم بیدفاع افغانستان و علت العلل آوارگی دردناک یک ملت مظلوم گردیده اند، به مقابل مردم افغانستان جواب ده و در محکمه وجدان و عدالت در جمع گنهکاران محسوب میگردند؛ چنانچه نه تنها تاریخ، بلکه ما ملی گرایان وطن هم

آنان را نباید از یاد ببریم. البته درین راستا، نسل هایی که شهود عینی بوده اند، وجبیه معرفی اعضای گروه های خیانت پیشه «حزب دمیوکراتیک خلق» و جمیع پیروان آنان را به نمایندگی از مردم بی دفاع افغانستان عزیز، بر عهده دارند.

حال برای علت تحریر چنین مطالبی به این نکته مهم توجه فرمایید، طوریکه ذکر گردید، سر آغاز همه مصائبی که در نیم قرن اخیر سبب بربادی وطن و جفای بزرگ در حق ملت افغانستان شده است، از فعالیت و قدرتمندی اقلیت چپگرای وابسته به دولت شوروی سابق یعنی گروه سرسپرده به احزاب «خلق و پرچم» آغاز گردیده است. بنا بر آن بعد از شکست اتحاد شوروی این دار گریختگی های معلوم الحال با خفت به غرب و اقصی ممالک جهان فرار نمودند و بعد از سالها خوف و گمنامی با نقاب تظاهر به وطن پرستی و افغانستان دوستی «!؟»، با اغفال مطبوعات بیرون کشور قلم بدست گرفته و با قباحات به چشم مردم وطن خاک میپاشند. معرفی و شناسایی اعمال و گذشته تاریک هر یک، خدمت نیست برای نسل های افغانستان تا دوست و دشمن سرزین خود ها را شناسایی نمایند.

با آغاز قرن موجوده عیسوی و سرعت فوق العاده اینترنتی، فعالیت مطبوعات در سر تا سر جهان بصورت محیر العقولی در حال پیشرفت است که موجبات سهولت در آموزش و علوم را در هر رشته یی سبب گردیده است، از انجمله با ایجاد وبسایت ها و صفحات معلوماتی گوناگون به السنه جمیع باشندگان روی کره ارض، وابستگی بشر به هر موضوع و مرامی چون نوشیدن آب سهل و آسان گردیده است. این امتیازاتی که عصر ماشینی موجوده برای انسان ارزانی داشته است در پهلوی بیشمار مزایا، نواقصی را هم بوجود میآورد، که منظور ما نمونه هایی از هزاران ضرری است که مطبوعات اینترنتی افغانی در قبال دارد.... مغز شویی، تحریف رویداد ها، شخصیت سازی کاذب، و بالاخره کتمان حقایق و ایجاد تاریخی که هرگز موجود نبوده است.

امروز در مطبوعات جلای وطن، افراد معلوم الحالی را با ثبوت و استناد و موجودیت شهود عینی میشناسیم که در همان عصر خون، آتش، خیانت و وطنفروشی با سهم گیری در جنایات مبرهن، با خاکپاشی بر چشم مردم خویش در سطور وبسایت های افغانی با ارائه مضامین و مطالب ملی و انکار از سابقه سیاه خویش جا خوش نموده اند و بر من و شما هموطن شریف میخندند!!

شکی نداریم که درین معضله، مقصر اصلی اولیای مطبوعاتی هستند که با مخلوط کردن سیاه و سفید، خاین و وطنپرست را یکجا پذیرایی مینمایند و به هردو خوش آمدید میگویند!!

وجوبه ملی در تعدادی از وبسایت های های افغانی مقیم جارج از وطن اینست که در مرحله نخست همه گروه ها و افرادی را که در نیم قرن اخیر به نحوی از انحاء مرتکب جنایت و خیانت به مردم افغانستان و سرزمین آنان گشته اند تحت هیچ شرایطی مجال همکاری با آن تشکیل را ندهند! در ثانی، حتی این گروه مطبوعاتی به نمایندگی از مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان شرافتمندانه در صدد معرفی و افشای افراد و حقایق تلخی باشند که موجبات بربادی و فناء سرزمین شان را از نیم قرن به این طرف فراهم ساخته است.

یکی از سابقه دار ترین این وبسایت های بیرون از افغانستان، «افغان جرمن آنالین» است که بر عکس امروز، مرام مطبوعاتی و نشراتی آن حین افتتاح با سرپرستی مرحوم «ولی احمد نوری» با هدف عالی پشتیبانی از مردم رنجور و بی دفاع افغانستان - مبارزه برای منافع ملی قاطبه ملت افغان و دقیقاً معرفی و روگشایی همه گروه های خطاکار و خیانت پیشه ای که از سقوط سلطنت به بعد موجبات بربادی، آوارگی، کشتار وسیع و هزاران جنایت و خیانت را در کشور وسیله گردیدند، مطرح شد و برای سال های متمادی، مؤفانه و مبارز منتشر میگردید!!

امروز این وبسایت شناخته شده، با نهایت بی مسئولیتی ای که در انتخاب نویسنده، شاعر، شیوع تجاوز فرهنگی ایران، مطالب غیر مهم، تکیه بر کمیت مطالب دارد، زمینه ورود تعداد معتنا بهی از «زیر دار گریختگان خلق و پرچم» را در فضای مجازی خود جا داده؛ مگر مهم است که کمیت مطالب بالا باشد و کیفیت دود گشته و به هوا برود؟! تحریف و مداخله و در صفحات تاریخی مستند که هنوز در اذهان و حافظه هموطنان هم موجود است تا چه حد میتواند درهم و برهم گردد؟! انصاف هم چیزی خوبی است!

طور مثال، مگر آفتاب کردار نیک و بد ما میتواند با دوانگشت پنهان گردد؟ سوابق و اعمال نامه های اشخاصی مانند «اعظم سیستانی» را با لقب نا مفهوم «کاندید اکامیسین» که رفقای بولشویک به پاس وفاداری وی به رژیم سفاک وابسته به شوروی اهداء نمود، چگونه میتوان قدرت، صلاحیت، قلم تبلیغاتی برای رژیم، مقام و فعالیت مطبوعاتی وی را تا مقام عالی در شورای مقتدر تصمیم گیری و نظر دهی انقلابی، نادیده گرفت و خاک بر چشم سه نسلی که حیات دارند زد و صفحاتی را هم برای فریب آیندگان مملکت با خلاف نویسی و مدح و ستایش اغراق آمیز سیاه نمود؟!

در چنین حالتی از ماه اپریل سال جاری، فرد مجهول الهویه نوظهوری که میدیای خارج از وطن را در پهلوی مقالات در سایت «افغان جرمن» تحت اسم «ن. جلیلزاد» به عنوان یک نویسنده مرد،

فیسبوک را بنام «**لمبه رنگریز**»، خانم جوان متولد ۱۹۹۰ و تا فعلاً، با حضور در پروگرام های تلویزیونی افغانی بنام «**ناصر ختیخ**» مورد استعمال و قلم فرسایی های پراکنده با استفاده وسیع از امکانات «**هوش مصنوعی**» قرار میدهد، اغلب با تمجید و تعریف اغراق آمیز از «**اعظم سیستانی**» و خضوع و خشوع دامنه دار، وی را در مقام وطن پرست ترین ها، دانشمند ترین ها و داشتن سوابق پاک و منزله ای که گردی بر دامن با صفای وی در عشق به وطن و خدمت و فدا کاری به مردم آن از آغاز تا ایندم نیافتاده، بدون اثبات به مقام والایی قرار میدهد!!



(تاریخ به کسانی وفادار میماند که به او وفادار مانده اند. ن. جلیلزاد... سیستانی هم با سابقه پیروی از «حزب دیموکراتیک خلق» که باعث بربادی و انهدام یک کشور و ایجاد هزاران درد بیدرمان خائمانسوز در حیات ملت افغان گردیده است، در حافظه تاریخ نیم قرن افغانستان، به همکیشان خویش وفادار مانده است!)

آیا این همه اسناد و مدارک و تصاویر دست داشته ای که نامبرده را در عمق و مرکز همکاری های بیدریغ و عقیدوی و نهایت وابستگی به آن رژیم سفاک نشان میدهد، مگر هیچ وجدان بیداری را به این باور نمی آورد که توبه گرگ مرگ است؟! به وضاحت مشاهده مینماییم که سیستانی با اعتقاد به آن مفکوره منحرف و وابستگی مفرط، یاران وفادار و همکیشان حزبی را چپ و راست تمجید و تقدیر می نماید، یکروز در مدح «**اکرم عثمان**» قلمفرسایی می نماید، روزی دیگر «**سهیلا صدیق**»،

این آشنای سرسپرده به شوروی را سوانح دیگری غیر آنچه بوده میبخشد و البته در توصیف و احترام به اعمال و کردار جنایت کار قهاری که آدم کشی با شکنجه را برای تسکین امیال شیطانی و انحرافات روانی، در دستگاه جهنمی خاد پیشه نموده و با لقب «**قصاب کابل**» ثبت تاریخ گشته است، از «**نجیب گاو**» بتی میتراشد که هیچ هموطن باوجدانی را تاب پذیرشش نباشد که نیست!

در چنین حالتی از ماه اپریل سال جاری، فرد مجهول الهویه نوظهوری که میدیای خارج از وطن را در پهلوی مقالات در سایت «**افغان جرمن**» تحت اسم «**ن. جلیلزاد**» به عنوان یک نویسنده مرد، فیسبوک را بنام «**لمبه رنگریز**»، خانم جوان متولد ۱۹۹۰ و تا فعلاً، با حضور در پروگرام های تلویزیونی افغانی بنام «**ناصر ختیخ**» مورد استعمال و قلم فرسایی های پراکنده با استفاده وسیع از امکانات «**هوش مصنوعی**» قرار میدهد، هم به گمان اغلب با تمجید و تعریف اغراق آمیز از «**اعظم سیستانی**» و خضوع و خشوع دامنه دار، وی را در مقام وطن پرست ترین ها، دانشمند ترین ها و داشتن سوابق پاک و منزله ایکه گردی بر دامن با صفای وی در عشق به وطن و خدمت به مردم آن از آغاز تا ایندم نیافتاده، بدون اثبات به مقام والایی قرار میدهد!!



(...سیستانی آیینیه ای استکه هر بار دشمن خواست چهره این سرزمین را مخدوش کند، صادقانه و بی هراس تصویر واقعی را بازتاباند... ن. جلیلزاد)... مگر کودتای منحوس ثور دقیقاً چهره افغانستان غیر منسلک و مردم آزاده آنرا با خون و آتشی که از زمین و هوا سرازیر میگردد،

مخدوش نه نمود؟! صفحه روزنامه انیس هم اثباتی از تصویر واقعی ای استکه سیستانی با سرسپردگی صادقانه به رژیم سفاک، باز تاباند!

حال جریان دیگری در سایت «افغان جرمن» رو نما گردیده است، مثلث تمجید و شخصیت سازی کاذب که این روش سخت به شناسایی ملی گرایان واقعی و خدمتگاران شرافتمند وطن صدمه زده و ذهنیت نسل های ما را تخریب و منحرف میسازد.... با ظهور «؟!» فرد مجهول الهویه ای به اسم «ن. جلیل زاد» در «افغان جرمن» و چند فیسبوک، در پهلوی توصیف و بزرگ نمایی های «سیستانی و قیوم میرزاده» با سوابق وابستگی آشکارای شان به «حزب دیموکراتیک خلق»، این فرد گاهی در قالب دختر جوان متولد در سال ۱۹۹۰ و عکسی ساخته هوش مصنوعی و زمانی به شکل مرد سالمندی، سخت شخصیت تراشی روا میدارد!

فرد دیگری با سابقه فعال در عصر اشغال وطن و خون و آتش کشور به اسم «قیوم میرزاده» که اکثراً از بیان سوابق خویش و همکاری با «نجیب گاو» قاتل بالفطره و «قصاب کابل» هم باکی ندارد، به منزله تحلیل گری به منزله «کیوتر با کیوتر، باز با باز» در دایره توصیف و تقدیر سوابق و حال «اعظم سیستانی» با مباهات و صفات محیرالعقول قلم فرسایی نموده و نظر میدهد که دانشمندان «؟!» را باید در حیات شان قدر و ستایش نمود....

اغماز بر تحریف هر سطری از تاریخ افغانستان، خطائست غیر قابل بخشش و پامال حقوق ملیون هایی که در اثر وقوع کودتای خونین ثور تا آیندم، به شهادت رسیده اند، یا مجروح و آواره گردیدند، طوریکه نسل های حال و آینده را در شناسایی خاین و وطنپرست و شناخت واقعیت تاریخ ۵۰ سال اخیر کشور گمراه و منحرف میسازد.

بنا بر آن، زمان آن رسیده است که ملی گرایان واقعی دنیای مطبوعات افغانی با دفاع از حقایق رویداد های مبرهن تاریخ مستند نیم قرن اخیر افغانستان، سیاه را از سفید تفریق نمایند و نگذراند هر گمراه بد سابقه ای به چشم ملت مظلوم و بیدفاع کشور خاک دروغ و ریا پاشیده، خاین را وطنپرست جلوه بدهد!!

«*» - آیا تصویر حضور سهمناک تانک های مخرب روسی در خاک مقدس افغانستان حکم مخدوش ساختن بیطرفی، آزادی و صلح و امنیت را در کشور ویران و حیات مردم مظلوم وطن در طول ۱۲ سال اشغال، به زعم آقای «جلیل زاد» داشته است؟!... و اگر جواب مثبت باشد، آیا سیستانی همچو آئینه ای صادقانه و بی هراس، تصویر واقعی «؟!» را در سرزمین خویش باز تاباند?!

یار زنده، صحبت باقی،